

## تحلیلی جغرافیایی بر نتایج اکولوژیکی ناشی از مهاجرت در شهر اهواز

فصلنامه جمعیت، بهار ۹۱

دکتر مصطفی محمدی ده چشمه

• هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

مسعود محمدی ده چشمه

• کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه تهران

### چکیده

شهرنشینی در سرزمین ما با کشف منابع نفت و استخراج آن شتاب گرفت و این منابع درآمد جدید، زمینه فروپاشی اقتصاد و جامعه سنتی را فراهم آورد. مراکز استان‌ها با جذب بیشترین سرمایه‌ها به عنوان نمادهای پیشرفت، نردبان ترقی و منابع درآمدی بی‌پایان جلوه‌گر شده و سیل مهاجرین راه سوی خود کشاندند. شهر اهواز نیز که از عمر جدید آن نزدیک به یک سده می‌گذرد (با توجه به اثر پذیری وسیع از پیدایش نفت) اساساً بر مبنای مهاجرت شکل گرفته و مرکزیت یافتن صنایع نفت منطقه جنوب، سرمایه‌گذاری در بخشهای صنایع سنگین (فولاد) و انتخاب آن به عنوان مرکز استان خوزستان زمینه‌افزایش مهاجر پذیری این شهر را فراهم آورده است. نتیجتاً اینکه شهر اهواز امروزه با مسائل و مشکلات اجتماعی، امنیتی، محیطی و کالبدی فراوانی منتج از بازتوزیع وسیع جمعیت مواجه می‌باشد.

هدف این تحقیق بررسی روند مهاجرپذیری در شهر اهواز و تحلیل کیفی پیامدهای حاصله با دید جامع نگر جغرافیا می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توسعه‌ای می‌باشد و روش انجام آن تحلیلی پیمایشی است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم نرخ منفی مهاجر پذیری استان خوزستان در سرشماری ۱۳۸۵، شهر اهواز بنا بر موقعیت ژئوپلیتیک و نخست شهری خود در این استان همچنان از شهرهای مهاجر پذیر محسوب می‌شود. بر طبق تخمین‌های صورت گرفته در طی دوره دهساله سرشماری ۱۳۷۵-۱۳۸۵ نزدیک به ۳۶۴۵۰ نفر مهاجر با اهداف مختلف به این شهر وارد شده اند تا همچنان این شهر به عنوان شهری مهاجر پذیر قلمداد گردد. از طرفی مهاجرت از مهم ترین عوامل شکل دهنده به الگوی توسعه فیزیکی ناموزون، نامنی، ازدحام تراکم و مسائل زیست محیطی در این شهر گشته است.

واژگان کلیدی: شهر نشینی، مهاجرت، حاشیه نشینی، اکولوژی شهری

## ۱- مقدمه

رشد روز افزون جمعیت و گسترش سریع و غیر عادی شهرنشینی و پیدایش کلان شهرها امروزه یکی از مسائل مهم کشورهای در حال توسعه بوده و پیامدهای قابل تامل و مسئله سازی چون خالی شدن روستاها از ساکنان، حاشیه نشینی، رشد و گسترش ناپهنجاری‌های روانی - اجتماعی (بزهکاری، سرقت، قتل، خودکشی و انواع ناپهنجاری‌های اجتماعی) و گسترش غیر اصولی و ناموزون شهر رادر بر داشته است. مطالعات انجام شده در مورد ایران نشان می دهد که از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و بویژه از دهه ۱۳۴۰ و بدنبال اجرای سیاست اصلاحات ارضی، افزایش قیمت نفت و سرازیر شدن دلارهای نفتی به مراکز شهری روند مهاجرت و بخصوص مهاجرت از روستا به شهر شتاب بیشتری گرفته و این جریان پیامدهای گوناگونی برای جامعه شهری ایران از جمله مراکز شهری استان خوزستان در پی داشته است.

اصلاحات ارضی از لحاظ تاریخی تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی را در استان خوزستان و از جمله در شهر اهواز به همراه داشته است. اصلاحات ارضی هر چند از نظر جغرافیایی در محدوده روستاها انجام شد. ولی اثراتی که در محدوده ی شهر اهواز به جای گذاشت شاید کمتر از اثر پذیری مناطق روستای نبوده است. عامل مهم دیگر، پیدایش صنعت نفت در استان خوزستان و از جمله در اطراف شهر اهواز و گران شدن قیمت آن در سال ۱۳۵۳ می باشد. بدلیل پیدایش حوزه‌های نفتی در اطراف اهواز و عبور لوله‌های نفت از این شهر به دیگر استان ها و گسترش مراکز مربوطه و صنایع آن، نیاز به کارگران ساده، متخصصین و مهندسیین افزایش یافت. این امر خود موجب مهاجرت این نیروها از دیگر مناطق به شهر اهواز شد. لذا در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ شهر اهواز یکی از قطب‌های مهاجرپذیر کشور بوده است. عامل مؤثر دیگر و در آغاز مرحله جدید مهاجرت به شهر اهواز آغاز جنگ تحمیلی است که در نتیجه آن بسیاری از نقاط شهری استان ناامن گشته و سیل مهاجرت به شهر اهواز آغاز گشت. در سال ۱۳۶۵ تعداد کل مهاجرین وارد شده به شهر اهواز ۳۸۵۵۳ نفر بوده که از این تعداد ۲ درصد از نقاط شهری شهرستان اهواز، ۴۳ درصد از نقاط شهری شهرستان‌های استان خوزستان و ۴۵ درصد از نقاط شهری استان‌های کشور و در حدود ۸ درصد خارج از کشور (بقیه مهاجران با منشأ نامعلوم بودند) به این نقطه شهری اضافه شده اند. بررسی مهاجرین وارد شده طی ۱۰ سال گذشته برحسب آخرین محل اقامت قبلی در سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که از کل ۳۶۴۵۰ نفر مهاجر وارد شده به شهر اهواز، نزدیک به ۵۳ درصد از استان خوزستان و بقیه از سایر استان‌های کشور به این شهر مهاجرت کرده اند.

بر این اساس هدف کلان این تحقیق تحلیل تأثیرات اکولوژیکی مهاجرت در سازمان شهری اهواز است و اهداف فرعی آن به صورت زیر قابل تبیین می باشند:

- تحلیل روند تحولات جمعیتی با تأکید بر مهاجرت در شهر اهواز
- تحلیل پیامدهای اکولوژیکی ناشی از مهاجرت به شهر اهواز

## ۱-۱- روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق، حوزه مطالعاتی و مسائل آن، برای تکمیل اطلاعات لازم پژوهش حاضر ترکیبی از روش‌های اسنادی تحلیلی و میدانی به کار رفته است. اطلاعات موردنیاز عمدتاً از منابع مدون، معتبر و

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن اخذ شده است و بخش اعظم کار به صورت میدانی و توزیع پرسشنامه در مناطق حاشیه نشین شهر اهواز انجام گرفته است که پس از پیش آزمون تعدادی از پرسشنامه‌ها روایی آنها مورد تایید قرار گرفت و به تحلیل نهایی موجود انجامیده است. جامعه آماری تحقیق محلات حاشیه نشین مظفریه، عامری و حصیرآباد در شهر اهواز می باشد که با توجه به موقعیت جغرافیایی - تاریخی و پایگاه اقتصادی اجتماعی انتخاب شده اند و حجم نمونه برابر با ۱۵۰ خانوار از سه محله متفاوت می باشد. روش نمونه گیری نیز به صورت تصادفی انجام شده و خانوارهای مورد مطالعه به فاصله ۱۵ مورد انتخاب شده اند.

## ۲- مفاهیم و نظریات

مهاجرت به عنوان پدیده ای پیچیده با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی فراگیر می باشد (زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۱۱). فراگیر از آن جهت که خاص قاره، کشور یا منطقه ویژه ای نمی باشد ولی در جهان سوم به علت جهت گیری مهاجرت ها و نوع آن که عموماً پله کانی (مرحله ای) می باشند بیشتر باعث ایجاد شکاف در ساختار شهری (اشتغال، مسکن، ساختار اجتماعی جمعیت) می گردد. مهاجرت در لغت نامه جمعیت شناسی ساز مان ملل شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می گیرد. این تحرک جغرافیایی تغییر اقامت گاه از مبدا یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می باشد (زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۱۲).

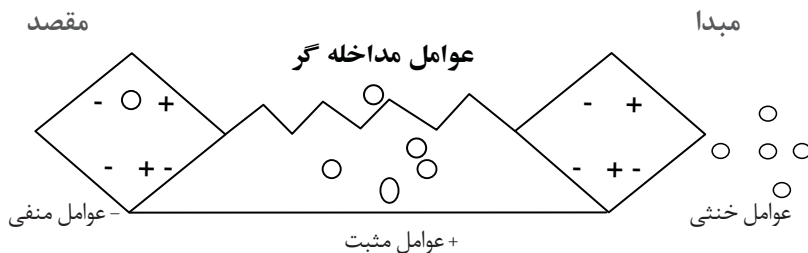
پاپلی یزدی اعتقاد دارد که اتخاذ سیاست‌های غلط عامل مهاجر پذیری یا مهاجر فرستی یک منطقه ی خاص می شود (مشهدی زاده، ۱۳۸۱: ۹۸). به طور کلی مهاجرت بویژه مهاجرت مرحله‌ای یا پله کانی که از نقاط با جمعیت پایین و عمدتاً روستاها به طرف شهرها صورت می گیرد عامل اصلی تغییر ساختار جمعیتی و چنانکه تودارو می گوید عامل اصلی تشدید مسائل جدی بیکاری می شود (مشهدی زاده، ۱۳۸۱: ۹۸). لی (Lee) عواملی را که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرآیند آن وارد می شوند به صورت زیر بر می شمرد:

۱- عوامل مرتبط با حوزه ی مبدا ۳- موانع بازدارنده

۲- عوامل مرتبط با حوزه ی مقصد ۴- عوامل شخصی

در واقع عوامل مثبت و منفی و خنثی در مبدا و مقصد و کشش و برتری هر یک بر دیگری و تاثیر متقابل آنها زمینه‌ی سازگاری در محل یا تصمیم به مهاجرت را فراهم می آورد.

شکل شماره ۱- عوامل مبدا، مقصد و بازدارنده در مهاجرت



Lee, 1966, P112

مدل لی در حقیقت عوامل دافعه و جاذبه را در جریان یک مهاجرت نشان می دهد. اینکه در جریان شکل گیری یک الگوی مهاجرت عوامل جاذبه، دافعه، فاکتورهای مداخله گر به نحوی در شکل گیری و شدت و حوزه شمول مهاجرت موثر می افتند.

از آنجایی که حاشیه نشینی پدیده ایست که محصول و نتیجه مستقیم مهاجرت محسوب می شود، لذا شناخت آن و پدیده های مرتبط نیز اهمیتی بالا خواهد داشت. حاشیه نشینی در واقع حاصل اشتغال حاشیه ای مهاجران می باشد که به وسیله آن هرگز دستمزد آنها تکافوی یک زندگی حداقل در درون شهر را به آنها نمی دهد (اعتماد، ۱۳۶۴: ۱۰۱). به طور کلی در مورد حاشیه نشینی می توان گفت: مناطق زاغه نشین، آلونک نشین، کپرنشین و در مفهومی کلی تر «حاشیه نشین» بخشهای مورد غفلت واقع شده شهرها می باشند که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت نامناسب می باشد و به طور کلی مکانهایی که در آنجا مهاجرین مصیبت زده روستائی اولین خانه های ارزان و کوچک و نامناسب را در آنجا بنا می کنند حاشیه یا زاغه می باشند (هادیزاده، ۱۳۸۴: ۱۴). فرید زاغه ها و حلبی آباد ها و حاشیه نشینی را اسف بارترین شکل توسعه در هم و برهم و بی قواره شهرها می داند و اعتقاد دارد که: مهاجرت و پیامد مهم آن یعنی حاشیه نشینی پدیده ای نیست که مختص کشور خاصی باشد، چنانکه «گجه قوندی های» انکارا، «ماولاهای» ریودوژانیرو، «باراداهای» لیما و «گوربی ویل های» آفریقای جنوبی نمونه بارزی از توسعه نابسامان شهری و شکل گیری حاشیه نشینی می باشد (فرید، ۱۳۷۵: ۱۶۴).

از دیگر مهمترین پیامدهای مهاجرت در شهرها جدایی گزینی اکولوژیکی می باشد که معمولاً در این حالت «گروه های مهاجر و در کل ساکنان شهر از نظر درآمد، مذهب، نژاد و پایگاه اقتصادی-اجتماعی به گروه های گوناگونی تقسیم می شوند. به موازات این جدایی گزینی در سطح شهر، هر یک از محلات شهری مشخصات ویژه ای به خود می گیرند و از چهره و بافت معینی تبعیت می کنند که با سایر محلات شهری تفاوت دارد و با فرهنگ غالب شهری (هنجارها) در تعارض می باشند. با توجه به پیامدهای مهاجرت که در اینجا به آنها اشاره شد (حاشیه نشینی، جدایی گزینی) باید گفت: جدایی گزینی اکولوژیکی معمولاً با جدایی گزینی مکانی یا فاصله فیزیکی (حاشیه نشینی) در رابطه می باشد که در پایان، کار به جدایی گزینی اجتماعی و شکل گیری طبقات اجتماعی-اقتصادی در شهرها می انجامد (شکوئی، ۱۳۶۹: ۳۰).

### ۳- رشد جمعیت، مهاجرت و روند آن در شهر اهواز

طبق آمار سرشماری های سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ به ترتیب جمعیت مهاجر ساکن شهر اهواز: ۲۹/۳ درصد، ۳۰/۹ درصد، ۰/۱۵ درصد و ۰/۸ درصد کل جمعیت شهری را تشکیل می داده است (مرکز آمار ایران، سرشماری های عمومی نفوس و مسکن شهرستان اهواز در سال های یاد شده). در اولین سرشماری کشور در سال ۱۳۳۵ شهر اهواز دارای جمعیتی بالغ بر ۱۲۰۰۹۸ نفر بوده است، روند رشد جمعیت شهر از این سال شکل تازه ای به خود می گیرد بطوریکه در دومین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۴۵ این میزان به ۲۰۶۳۷۵ نفر افزایش می یابد، گرچه در فاصله دو سرشماری بر تعداد جمعیت ۸۶۲۷۷ نفر اضافه شده اما این تحول صرفاً ناشی از مهاجرپذیری شهر نبوده و ملحق شدن روستاها و کانون های جمعیتی مختلف به این شهر در فاصله دو سرشماری علت دیگر این پدیده بوده است. مقایسه جمعیت بین دو سرشماری اول و دوم نشان دهنده رشد

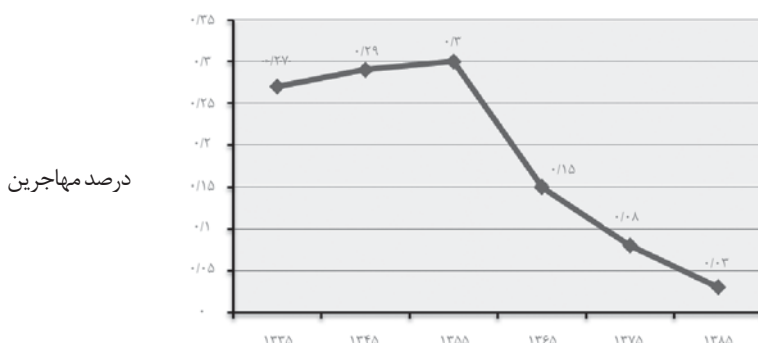
متوسط ۵/۷۸ درصد در سال می باشد که به وضوح مهاجرت پذیری شهر اهواز را نسبت به رقم رشد طبیعی جمعیت در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ تأیید می کند. مقایسه جمعیت شهر در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نشانگر آن است که رقم کل جمعیت شهر طی این دوره از ۲۰۶۳۷۵ نفر در سال ۴۵ به رقم ۳۳۴۳۹۹ نفر در سال ۵۵ رسیده است. بطور متوسط در طول این دهه سالانه ۶/۲ درصد به جمعیت شهر افزوده شده و این رقم افزایش، خود مؤید بر رشد جمعیت ۵ درصد در سال است که در مقام مقایسه رشد طبیعی جمعیت شهری به روستایی کشور (۲/۸) و رشد سالانه ی جمعیت کل کشور (۲/۷) به روشنی ادامه مهاجرت پذیری شهر اهواز را نشان می دهد (مشهدی زاده: ۱۳۸۱: ۳۰) و همواره نشان دهنده رشد امکانات شهر در زمینه تولید مشاغل جدید خاصه در بخش صنایع (فولاد و نفت) و افزایش درآمد هاست. در فاصله این سال ها جمعیت مهاجر شهر تا حدودی توسط مهاجرین ورودی که غالباً از روستاهای منطقه، شهرستان ها، شهرهای دیگر استان و برخی از شهرهای بزرگ کشور بوده افزایش پیدا کرده است. از علل مهم دیگری که در مدت این ۱۰ سال در رشد سریع جمعیت شهر اهواز مؤثر بوده است، اعمال سیاست دولت وقت در مورد گسترش قطب‌های شهری و روی گرداندن روستائیان از کار و زراعت در مناطق محروم بوده است. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ شهر اهواز رشد سالیانه ۵/۶ درصد بطور متوسط داشته است و در مجموع جمعیت از ۳۳۴۳۹۹ نفر در سال ۵۵ به ۵۷۸۲۱۹ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. بررسی‌های آماری در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ نشان می دهد که بیش از ۴۵ درصد از مهاجرت‌هایی که در این دوره به جامعه شهری صورت گرفته است معلول جنگ تحمیلی است که حدود ۵۵ درصد بقیه ناشی از فعل و انفعالات اقتصادی و اجتماعی درون کشور است. در جدول شماره ۱ جمعیت شهر اهواز به تفکیک سال‌های سرشماری مشخص شده است. همچنین میزان مهاجران در هر دوره به روشنی تعیین کننده ی میزان مهاجر پذیری شهر اهواز می باشد.

نمودار شماره ۱، میزان مهاجرین در روند رو به افزایش جمعیت در شهر اهواز طی دوره‌های سرشماری در شهر اهواز

جدول شماره ۱، جمعیت، رشد سالانه و میزان مهاجرین شهر اهواز در دوره‌های سرشماری			
سال	جمعیت کل	متوسط رشد سالانه	میزان مهاجران (درصد)
۱۳۳۵	۱۲۰۰۹۸	-	۲۷/۳
۱۳۴۵	۲۰۶۳۷۵	۵/۷	۲۹/۳
۱۳۵۵	۳۳۴۳۹۹	۶/۲	۳۰/۹
۱۳۶۵	۵۷۸۲۱۹	۵/۶	۰/۱۵
۱۳۷۵	۸۰۴۹۸۰	۳/۳	۰/۸
۱۳۸۵	۹۸۵۴۳۲	۴/۳	۰/۰۳
(مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵)			

همانطور که در جدول و نمودار ۱ مشاهده می‌شود درصد مهاجران طی سرشماری سال ۱۳۵۵ نزدیک به یک سوم از مجموع جمعیت شهر اهواز را شکل داده‌اند. این باز توزیع در مقیاس وسیع جمعیت بدون شک نتیجه انجام اصلاحات ارضی و مهاجرت‌های روستا- شهری از یکسو و سرمایه‌گذاری‌های وسیع در بخش صنایع سبک و سنگین (صنایع فولاد و نفت) از سوی دیگر می‌باشد. این میزان در دوره‌های سرشماری اخیر یعنی سال ۱۳۶۵ به ۰/۱۵ درصد، در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۸ درصد و در آخرین دوره سرشماری به ۰/۰۳ درصد رسیده است.

نمودار شماره ۱. میزان مهاجرین در روند رو به افزایش جمعیت در شهر اهواز طی دوره‌های سرشماری در شهر اهواز



همانطور که مشخص است درصد مهاجرین از اولین دوره سرشماری رشد صعودی خود را شروع و این جریان تا سال ۱۳۵۵ نیز ادامه دارد و بعد از این دوره، درصد مهاجرین از کل جمعیت کم شده و تا آخرین دوره سرشماری نیز این روند نزولی ادامه می‌یابد و یک منحنی لجستیک با دوره ی صعود و نزول مشخص را شکل می‌دهد. در این ارتباط توجه به بازتوزیع وسیع جمعیت متأثر از جنگ تحمیلی (که نتایج آن در قبل، حین و بعد از جنگ مشخص می‌باشد)، آمایش مکانی و برنامه ریزی شهرک‌های جدید (رامین)، مسائل و مشکلات محیطی و امنیتی از مهم‌ترین فاکتورهای موثر قلمداد می‌شوند.

#### ۴ - بررسی پیامدهای ناشی از مهاجرت به شهر اهواز

##### ۴-۱- اسکان غیر رسمی (حاشیه نشینی)

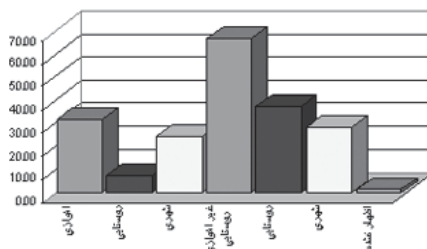
به منظور تحلیل دقیق پیامدهای ناشی از مهاجرت بی رویه به شهر اهواز یک فرضیه اصلی به عنوان محور ارزیابی قرار گرفته است و بدنبال آن تحلیل‌های مرتبط ارائه خواهند گشت. فرضیه مد نظر نگارنده ارتباط مستقیم مهاجر پذیری شهر اهواز و اسکان غیر رسمی در این شهر است و به منظور اثبات یا رد این فرضیه مطالعات میدانی در محلات حاشیه ای منتخب صورت گرفته است که در ادامه مهم‌ترین نتایج آن ارائه شده‌اند:

سؤال اول: منشأ سرپرستان خانوار حاشیه نشینان شهر اهواز

جدول شماره (۲): منشأ سرپرستان خانوار حاشیه نشینان شهر اهواز در سال ۱۳۸۵			
منشأ	روستایی (درصد)	شهری (درصد)	جمع (درصد)
اهوازی	۷/۵	۲۴/۵	۳۲
غیراهوازی	۳۸	۲۸/۵	۶۶/۵
منشأ اظهار نشده و خارج از کشور	—	—	۱/۵
جمع کل			۱۰۰

(منبع: مطالعات میدانی نگارنده)

نمودار شماره ۲، منشأ سرپرستان خانوار حاشیه نشینان شهر اهواز در سال ۱۳۸۵



همانطوری که جدول شماره ۲، نشان می دهد، ۹۸/۵ درصد منشأ سرپرستان خانوار در محلات حاشیه ای منتخب مهاجر بوده اند. از این نسبت ۴۵/۵ درصد منشأ روستایی داشته اند که روستاهای اطراف اهواز ۷/۵ درصد و مهاجرین روستاهای خارج از شهرستان اهواز ۳۸ درصد از کل مهاجرین را شکل داده اند. جالب اینکه ۲۴/۵ درصد سرپرستان خانوارهای حاشیه نشین با منشأ اهوازی از مناطق شهری است و این عده همان افرادی هستند که به جای تحرک اجتماعی مثبت و ارتقاء سطح زندگی، تحرک اجتماعی نزولی داشته اند و به علت فقر از متن شهر به مناطق حاشیه نشین کشیده شده اند. هر چند که ۲۸/۵ درصد حاشیه نشینان شهرستانی منشأ شهری داشته اند ولی حکم مذکور را شاید نتوان به آنان نسبت داد زیرا از وضعیت آنان در شهر محل سکونت پیشین اطلاعی در دست نیست.

سؤال دوم: علت مهاجرت سرپرستان خانوار حاشیه نشینان شهر اهواز در محلات منتخب

جدول شماره ۳: علت مهاجرت حاشیه نشینان شهر اهواز در سال ۱۳۸۵	
درصد حاشیه نشینان	علت مهاجرت
۳۰	یافتن شغل
۲۲	جنگ تحمیلی
۲۳	ارزانی محل سکونت
۱۶	کمبود امکانات محل سکونت پیشین
۳	وابستگی فامیلی
۲	درگیری های محلی
۱	مخاطرات محیطی مانند سیل و ...
۳	سایر عوامل
۱۰۰	جمع

(منبع: مطالعات میدانی نگارنده)

همانطوریکه در جدول شماره ۳ مشخص است، یافتن شغل یا بیکاری در محل سکونت قبلی بالاترین درصد علت مهاجرت بوده است (۳۰ درصد)، ارزانی زمین در محل سکونت فعلی دومین علتی است که حاشیه نشینان را به این مناطق کشانده است (۲۳ درصد)، جنگ تحمیلی و تخریب محل مسکونی، کمبود امکانات محل سکونت پیشین، وابستگی فامیلی، درگیری های محلی و مخاطرات طبیعی از دیگر علل ذکر شده از سوی مهاجرین برای سکونت در محلات حاشیه ای شهر اهواز می باشند.

هرچند حاشیه نشینی در حقیقت نتیجه ای از تخریب روابط سیستماتیک حاکم بر اقتصاد کشور (در طی دوره ای که تاکید بر درآمد های نفت فزونی یافت و یک عدم تعادل کلی در نظام شهر نشینی کشور بخصوص در کلان شهر ها به وجود آمد، می باشد) ولی عمدتاً از حاشیه نشینی به عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می شود. در نظر گرفتن مشکلات اجتماعی مهاجرین بدون توجه به مقصد آنها یعنی حاشیه ها بدون معنا می باشد. چون اینان گروه هایی هستند که مردم شهری تمایلی به ایجاد ارتباط و تماس با آنها نشان نمی دهند و خود آنها نیز به ندرت می توانند جایی والا در بین این اجتماعات بیابند و در سازمانهای دولتی راه پیدا نکنند. بدین صورت زمینه جدایی گزینی اکولوژیکی اجتماعی این افراد فراهم می شود.

این گروه ها و خانواده ها عمدتاً بر اساس یک وجه تشابه (پایگاه اجتماعی، پایگاه اقتصادی، قومیت و...) هم نوع خود را می یابند. با پیچیده تر شدن روابط بر جمعیت این گروه ها افزوده می شود و زمینه برای شکل گیری محلات گنو ماندی فراهم می آید. یعنی فرآیندی که در اکثر محلات مهاجرنشین و حاشیه ای شهر اهواز رخ داده است. جدایی گزینی اکولوژیکی معمولاً با جدایی گزینی مکانی یا فاصله فیزیکی (حاشیه نشینی) در رابطه می باشد که در پایان، کار به جدایی گزینی اجتماعی و شکل گیری طبقات اجتماعی - اقتصادی خاتمه یافته است. یعنی همان روند جابجایی که در اکثر محلات پیرامونی شهر اهواز قابل مشاهده می باشد: مهاجرین پس از وارد شدن به شهر در یکی از محلاتی که از نظر اجتماعی اقتصادی (عمدتاً در اینجا ملاک پایگاه اجتماعی یعنی توجه به گروه های اجتماعی ساکن یا همان قومیت در محله مد نظر قرار می گیرد) با آن سازگاری دارند ساکن می شده اند که عمدتاً جزو محلات فقیر نشین می باشند (عامری، مظفریه، شیلنگ آباد، حصیر آباد، کوت عبدالله) و با فاصله گرفتن از مرکز اصلی اجتماعی - فرهنگی شهر به نوعی در انزوا باقی مانده اند و در این مرحله جدایی گزینی اجتماعی به طور کامل اتفاق افتاده است.

شکل شماره ۲ فرآیند جدایی گزینی در محلات حاشیه ای شهر اهواز



در نتیجه باید گفت: جدایی گزینی اکولوژیکی در شهر اهواز عمدتاً با جدایی گزینی مکانی یا فاصله فیزیکی (حاشیه نشینی) در ارتباط می باشد که در نهایت، کار به جدایی گزینی اجتماعی، شکل گیری طبقات اجتماعی اقتصادی و ناپایداری اجتماعی شهر انجامیده است.

#### ۴-۲- آسیب های اجتماعی و ناپایداری اجتماعی

شکل گیری نابهنجاری های اجتماعی چون سرقت، قتل و غارت، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آنها که به مثابه کجروی و انحراف در هنجار های اجتماعی در شهر ها تلقی می شوند را می توان با عنوان آسیب های اجتماعی جامعه شهری متأثر از باز توزیع وسیع جمعیت نام برد. پرداختن به مبحث ناپایداری اجتماعی در شهر اهواز به ویژه زمانی ضرورت بیشتری پیدا می کند که حجم کج رفتاری های مردم از سقف تحمل جامعه فراتر رفته و نگرانی هایی ایجاد کرده است.

امروزه در بخش های مشخصی (به ویژه محلات حاشیه نشین) از شهر اهواز نمونه هایی از آسیب های اجتماعی به وضوح مشاهده می شود. محل هایی برای خرید و فروش مواد مخدر، محل اجتماع ولگردان و دعوا و درگیری آنها، محل هایی برای فساد و فحشا و... آمارها نشان می دهند که میزان آسیب های اجتماعی در شهر اهواز رو به افزایش می باشد. طلاق به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی که در عرصه خانوادگی اتفاق می افتد، از نابهنجاری های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی متأثر می شود و متقابلاً بر آنها تأثیر می گذارد و نمود واضح ناپایداری خانوادگی می باشد. داده های آماری نشان می دهند که طلاق از جمله آسیب های اجتماعی رشد یافته شهر اهواز می باشد.

#### ۴-۳- توپوگرافی ناهمگون اجتماعی<sup>۱</sup> در شهر

امروزه زندگی اجتماعی در شهر اهواز همه مرزهای جغرافیایی، نژادی و قومیتی را در نوردیده است و نوگرایی را برای شهروندان به ارمغان آورده که این پیامد توأم با مسائل اجتماعی فراوانی چون وجود فواصل اجتماعی فزاینده در شهر ها، ساختار ناهمگن جمعیتی، جدایی گزینی های فضایی و... بوده است.

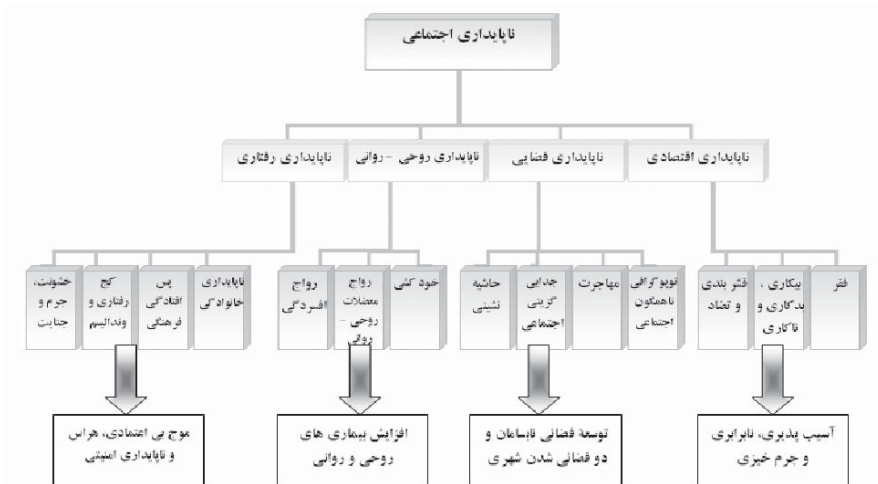
دسترسی به امکانات و خدمات از فاکتورهای مهم تعیین کننده در منزلت اجتماعی شهروندان می باشد. این در حالی است که بخش قابل توجهی از جامعه شهری اهواز نارسائی خدمات شهری را تجربه می کنند. نرخ باسواد، نرخ اشتغال، برخورداری از شاخص های بهداشتی، درمانی و آموزشی، برخورداری از خدمات شهری چون آب، برق، گاز، تلفن و... از جمله نیازهای جامعه شهری می باشد که کمتر بطور فراگیر بدان توجه شده است، به نحوی که با وجود پیشرفت های چشمگیر در زمینه خدمات رسانی شهری، امروزه نزدیک ۴۰ درصد از ساکنین شهر اهواز از خدمات بهداشتی (زیر بنایی و رو بنایی) و آموزشی بهینه بی بهره اند (ابراهیم زاده و نصیری، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

#### ۵- پیامدهای مهاجرت در شهر اهواز

امروزه در تحلیل پویای ناپایداری اجتماعی در جامعه شهری اهواز و بررسی دینامیزم شهرنشینی از جنبه آسیب شناسی این شهر، توجه به جریانات اکولوژیکی شهری چون مهاجرت و حاشیه نشینی، ناهمگنی و بیگانگی شهری، دسترسی غیر مؤثر به خدمات اجتماعی و ناپایداری های رفتاری چون کج رفتاری، پر خاشگری و وندالیسم، ناپایداری و گسست در زندگی خانواده ها، مرزبندی های اجتماعی و توپوگرافی ناهمگون شهری لازم می نماید.

1. Social Heterogeneous Topography

شکل شماره ۳: پیامدهای کلان مهاجرت در شهر اهواز



### ۵- جمع بندی، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

در پژوهش حاضر مشخص گردید که در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ استان خوزستان یکی از قطب‌های مهاجرپذیر کشور بوده است و شهر اهواز به عنوان مرکز این استان از این جریان جدا نمانده و چه بسا پیامدهای گسترده مهاجرت در این استان بیشترین تأثیر را بر این شهر گذاشته است. نتیجتاً این حجم از مهاجرین علاوه بر تأثیر بر توسعه فیزیکی، خالی شدن روستاها از ساکنان، حاشیه نشینی، رشد و گسترش ناپهنجاری‌های روانی اجتماعی (بزهداری، سرقت، قتل، خودکشی و انواع ناپهنجاری‌های اجتماعی) را با خود به همراه داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که اوج روند مهاجرپذیری شهر اهواز در سال‌های بین سرشماری ۵۵-۴۵ خرداد است (که سهم جمعیت مهاجران از کل جمعیت شهر به ۳۰/۹ می‌رسد). از دلایل آن می‌توان به وقوع اصلاحات ارضی، سرمایه‌گذاری‌های وسیع در بخش صنایع بویژه در بخش صنایع سنگین و بالا رفتن قیمت نفت در این دوره اشاره کرد. در رابطه با مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی در شهر اهواز که به عنوان یکی از فرضیات ارائه شده، می‌توان گفت که ارتباط نزدیک و تنگاتنگی بین این دو پدیده وجود دارد و ناهمگنی جمعیت، تخریب ساختار سنی جمعیت (مهاجران عمدتاً) از گروه‌های جوان شکل گرفته اند) فقر و بیکاری ناشی از مهاجرت‌های بی‌رویه به این شهر می‌باشند. این مسئله در مورد نابسامانی‌های اکولوژیکی-اجتماعی شهر نیز صادق می‌باشد. همچنین بررسی درصد مهاجران در شهر اهواز در سرشماری ۱۳۷۵ بیانگر این مطلب می‌باشد که از مجموع مهاجران وارد شده به شهر اهواز در دوره ۱۰ ساله قبل از این سرشماری، حدود ۷۸/۰٪ از مهاجرین از خود استان خوزستان به این شهر وارد شده‌اند. که این مطلب یعنی پذیرش فرضیه تأثیر مهاجرت بین استانی در افزایش جمعیت شهر اهواز. اگر به این مسأله واقف باشیم که علت اصلی مهاجرت به شهرها به خصوص از مناطق روستایی، کمی درآمد یا سطح پایین زندگی، بیکاری و کمبود و یا نبود امکانات رفاهی در روستاهاست، لذا در برخورد با این پدیده

می‌بایست به طور اصولی و ریشه ای عمل نمود.

به طور کلی ویژگی اصلی رویکرد شهری را می‌توان بر اساس نظریه تغییر اجتماعی تبیین کرد. این دیدگاه جهت ریشه یابی آسیب‌های شهری به جای نگاه از بیرون برای یافتن علل بروز آسیب‌ها، اغلب به درون و ساخت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری نگاه می‌کنند.

در این راستا توزیع و تجهیز امکانات و خدمات در سطح شهر اهواز با توجه به نیاز شهروندان مانع عمده ای در جلوگیری از تشدید تعارض‌های شهری و در نتیجه فرسایش روابط انسانی در سطح شهر هاست.

• تعادل بخشی به روابط شهر و روستا جهت افزایش ضریب ماندگاری جمعیت روستایی و کاهش ضریب باز توزیع جمعیت می‌تواند عاملی برای وحدانیت اجتماعی- فرهنگی روستا و شهر و در نهایت پایداری اجتماعی آن باشد.

• توجه به مقوله تعادل فضایی و عدالت اجتماعی در شهر اهواز و تعدیل نابرابری‌ها و دوگانگی‌های درون شهری و میان شهری عاملی جهت توسعه پایداری اجتماعی در شهر است.

• ریشه یابی آسیب‌های اجتماعی و برخورد ساختاری با آن (کشف ریشه‌های جرم نه برخورد با مجرم) و توجه به بحث آموزش و آگاهی خانواده‌ها و اقشار مختلف اجتماعی از آسیب‌ها، عامل کاهش انحرافات و افزایش همبستگی‌های شهری می‌باشد.

• توجه به مقوله مهندسی اجتماعی و نیازهای سنی، جنسی، روحی و روانی، جسمی و ذهنی شهروندان و برنامه ریزی اجتماعی همسو با برنامه ریزی شهری علاوه بر تحریک دینامیزم شهری و حضور اقشار مختلف جامعه در فضای شهرها، عامل بالا رفتن میزان رضایتمندی شهروندان از مناسب سازی محیط شهرها می‌شود و در نهایت اقدامی است در جهت افزایش پایداری شهری.

## منابع

۱. اعتماد، گیتی، ۱۳۶۳، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه
۲. بیک محمدی، حسن، ۱۳۷۷، روند مهاجرت در استان اصفهان، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم
۳. حز باوی، عزیز، ۱۳۷۴، پیامدهای مهاجرت در شهر اهواز، پایان نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، به راهنمایی: دکتر کلانتری و مهاجرانی، دانشگاه اصفهان
۴. جوان، جعفر، ۱۳۸۰، جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد
۵. زنجانی، حبیب الله، ۱۳۸۰، مهاجرت، انتشارات سمت، تهران
۶. شکوهی، محمداجزا، ۱۳۸۱، یک مدل توسعه‌ی مرحله‌ای برای شهرهای جدید، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵-۶۶
۷. فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز
۸. محمدی ده چشمه، مصطفی، ۱۳۸۴، اکولوژی اجتماعی شهر اهواز، پایان نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی، به راهنمایی دکتر ناهید سجادیان، دانشگاه شهید چمران اهواز
۹. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خوزستان، سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۲۵
۱۰. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن شهرستان اهواز، سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵
۱۱. مشهدی زاده دهقان، ناصر، ۱۳۸۱، تحلیلی بر ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران
۱۲. رهنمایی، محمد تقی و محمدی ده چشمه، مصطفی، تحلیلی بر ناپایداری اجتماعی در بوم شهر ایرانی، ۱۳۸۸، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۵۹،
۱۳. هادیزاده، مریم، ۱۳۸۴، ترجمه. حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات آذر برزین، مشهد
14. Lee, Everetts. "A Theory of Migration, Demography. vol.3, NO.1.1966
15. Amin, Samir. Modern Migration in Western Africa, Oxford University, 11- Press.1974